

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیّه	پیاده‌سازی

## لعن و تبرّی در زمان جاری است

کلیدواژه‌ها: لعن و تبرّی، مظهر تامّ شقاوت، دو جریان مستمرّ، جریان ولایت، جریان روبه‌روی امامت و ولایت، جریان مستمرّاً ملعون، مصداق عملی لعن، تأثیر لعن در سیر و سلوک عرفانی، لعن اعلام موضع در برابر جریان روبه‌روی امامت، تلازم تبرّی و تولّی.

لعن را که به معنای دعا بر محروم شدن و دور شدن کسی از رحمت الهی است، نباید به یک شخص معین محدود کنیم. آن شخص به‌عنوان جرثومه‌ی همه‌ی شقاوت‌ها مطرح است؛ همان تعبیری که قرآن فرمود: **وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى؛ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى؛**<sup>۱</sup> که ذیل این آیه داریم که آن **أَشْقَى** همان دومی است.<sup>۲</sup> منتها باید بدانیم که این دومی اگر مورد لعن و تبرّی اهل ایمان است، نه به‌خاطر جنبه‌ی شخصی اوست؛ بلکه به‌خاطر خباثت‌هایی است که در وجود او تجلّی پیدا کرده است. به تعبیر قرآن کریم، او مظهر تامّ شقاوت است. بنابراین، هرکس که مصداقی از آن خُلق و خوی، آن روش و آن

۱. سوره‌ی اعلی، آیات ۱۱ و ۱۲.

۲. مطلب مورد نظر در تفاسیر، ذیل آیات ۱۴ تا ۱۶ سوره‌ی لیل آمده است. آیه‌ی ۱۵ مشابه آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی اعلی است که استاد خوانده‌اند.

... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ «فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلْقَى؛ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى؛ الَّذِي كَذَّبَ وَ تَوَلَّى» قَالَ: فِي جَهَنَّمَ وَادٍ فِيهِ نَارٌ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى (أَي فُلَانٌ) الَّذِي كَذَّبَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي عَلِيِّ عليه السلام وَ تَوَلَّى عَنْ وَلايَتِهِ قَمِي، عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ، التَّفْسِيرِ، ج ۲، ص ۴۲۶ و فيض‌کاشانی، صافی، ج ۷، ص ۴۹۸.

... «لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى» قَالَ: هُوَ عَدُوُّ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله: بحرانی، برهان، ج ۵، ص ۶۷۹.

روحیات را دارد، دوست اهل بیت علیهم السلام نسبت به او هم تبرّی دارد. یعنی نباید ذهن را به یک شخصیت تاریخی و در یک مقطع معین محدود کنیم. گفت:

رگ رگ است این آب شیرین و آب شور  
بر خلاق می رود تا نَفخ صور

این دو جریان‌ی که در سال‌های نخستین ظهور اسلام رویاروی هم بودند، تا قیامت ادامه دارد. بارها خدمت عزیزان عرض کرده‌ام؛ در زیارت عاشورا چند بار تکرار شده است: **إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**<sup>۳</sup> من دشمنِ دشمنان شما هستم **إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**. این نشان می‌دهد که یک جریان است که مورد لعن و نفرین قرار می‌گیرد؛ جریانی که جریان شقاوت است؛ جریان خبائث است؛ جریان خشک‌مغزی و زورگویی و دیکتاتوری است؛ جریان محرومیت از لطافت‌های ایمانی و تجسم کبر و خودخواهی و دنیاپرستی و دنیاطلبی است؛ این جریان مورد لعن و نفرین است. منتها مصداق آنم این جریان در آن شخص تبلور پیدا کرده است.

بنابراین باید در زمان خودمان هم مصداق این جریان را تشخیص دهیم. طوری نشود که کسی را در گذشته‌ی تاریخ نفرین کنیم و کاری به کار پیروان و هم‌خواها و هم‌مسلمانان و هم‌مراهم‌های او در زمان خودمان نداشته باشیم. این اشتباه و خطای بزرگی است که بعضاً به آن توجه نمی‌شود. فقط ذهن را به یک حادثه‌ی تاریخی گذشته و شخصی در گذشته‌ی تاریخ می‌برند؛ در حالی که این یک جریان مستمر است. همان‌طور که جریان امامت و ولایت در طول تاریخ به‌طور مستمر تا قیامت ادامه دارد، جریان روبه‌روی آن هم این‌گونه است؛ و لذا این لعن و نفرین، در یک نقطه و مقطع خاص تاریخی متوقف نمی‌شود. همان‌طور که صلوات و درود و اعلام پیوند و همراهی و تأیید ما نسبت به جریان ولایت تا روز قیامت استمرار دارد، لعن و نفرین و تبرّی ما هم نسبت به جریانی که با آن روحیات،

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۶؛ ابن‌مشهدی، مزارالکبیر، ص ۴۸۴ و محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت‌عاشورا.

خُلُقیات، عقاید و افکار و با آن سبک رفتار، در طول تاریخ دنباله‌رو آن اشقیاست، تا قیامت ادامه دارد.

این لعن و نفرین ما هم باید مصداق عملی داشته باشد. وقتی من شخصی را لعن می‌کنم، یعنی از او فاصله می‌گیرم. وقتی از شخصی تبرّی می‌جویم، یعنی از او فاصله می‌گیرم. این فاصله گرفتن، یعنی فاصله گرفتن اندیشه‌های ما از آن اندیشه‌ها، فاصله گرفتن خُلُقیات ما از آن خُلُق‌ها، فاصله گرفتن روحتیات ما از آن روحیه‌ها، فاصله گرفتن رفتارهای ما از آن رفتارها. لعن و تبرّی یعنی این. لذا لعن و تبرّی بیشترین تأثیر را در تعالی و تکامل مؤمن دارد.

خدا رحمت کند حاج آقای دولابی را، رضوان‌الله‌تعالی‌علیه، ایشان تعبیر می‌کرد؛ می‌فرمود: لعن، استغفار خِصّیصین است. در سیر و سلوک عرفانی، لعن تأثیر بسیار بزرگی دارد. برخلاف برخی از مدّعیان عرفان و تصوّف که لعن کردن را به‌طور کلی نهی و نفی می‌کنند، اتفاقاً جایگاه بسیار مهمّی دارد. دلیل آن هم این است که در قرآن بارها از قول خدای متعال، ملائکه‌الله، انبیاء و مؤمنین نسبت به کسانی لعن ذکر شده است.<sup>۴</sup> لعن تأثیر بسیار بزرگی در تعالی دارد. چرا؟ چون وقتی او را لعن می‌کنید، یعنی در زندگی امروزتان از آن خُلُق و خو فاصله می‌گیرید؛ از آن روحیه فاصله می‌گیرید؛ نسبت به آن دیکتاتورها، زورگوها، خشک‌مغزها، نسبت به آن افراد بی‌بهره‌ی از ایمان، دنیاپرستان، ستمگرها و نسبت به کسانی که بویی از رحم و انسانیت در وجودشان نیست، اعلام مواضع می‌کنید. لذا باید معنای لعن را بهتر بفهمیم و تبلور لعن و تبرّی در زندگی امروز ما کاملاً مشهود باشد، چه در مورد آن‌گونه اشخاص و چه در وجود خودمان. در وجود ما، هم ولایت شعبه دارد و هم جبهه‌ی روبه‌روی ولایت؛

---

۴. إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَ أَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا: سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۶۴؛ وَ إِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ: سوره‌ی ص، آیه‌ی ۷۸؛ أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنْ عَلَيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ: سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۸۷؛ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَاثُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ: سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۶۱؛ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا: سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۷.

یعنی هم دل و قلب در وجود ما هست و هم نفس اماره. در وجود ما، نفس اماره نمایندگی از عَمَر دارد و دل نمایندگی از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ. در لعن و تبری در درون خودمان به سوی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و قلب و دل عالم وجود سوق می‌کنیم و از امارگی‌های نفس فاصله می‌گیریم. این از درون وجودمان؛ در بیرون وجودمان هم در هر عرصه‌ای که هستیم، در محلّه، شهر، اداره، محیط کار، از کسانی که در رأس قدرت قرار گرفته‌اند و خُلق و خوی عُمری دارند، ولو ظاهر مذهبی هم برای خودشان درست کرده‌اند، فاصله می‌گیریم. مگر عَمَر ظاهر مذهبی نداشت؟ تظاهر به اسلام می‌کرد. امروز هم ممکن است چه در سایر دُول و مِلَل، چه در داخل جامعه‌ی خودمان، در بعضی از سازمان‌ها افرادی در مسند قدرت قرار گرفته باشند که تبلور عمر هستند؛ تبلور آن شقاوتند؛ تبلور آن دیکتاتوری هستند؛ تبلور آن سرکوب و اختناق و بی‌رحمی هستند؛ تبلور آن ظلم و زورند؛ تبلور آن تکبر و خودخواهی هستند؛ تبلور آن بی‌رحمی و قساوت هستند. باید امروز لعن، موضع ما را نسبت به آنها روشن کند.

بنابراین خوب باید درک کرد که مفهوم لعن و تبری چیست. روز نهم ماه ربیع‌الاول روزی است که به این مناسبت، توجهی به این بُعد تبری و لعن می‌شود. آن کسانی که می‌گویند فقط محبت، فقط ولایت، بدون لعن، بدون تبری؛ اینها بهره‌ای از ولایت و حقیقت ندارند. ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تأکید فرموده‌اند که ولایت ما بدون تبری و لعن نسبت به دشمنان ما دروغ است؛ واقعی نیست.<sup>۵</sup>

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم

۵. وَ قِيلَ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ فُلَانًا يُؤَالِيكُمْ إِلَّا أَنَّهُ بَضْعُفٌ عَنِ الْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّكُمْ فَقَالَ هَيْهَاتَ كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَبَرَّأْ مِنْ عَدُوِّنَا:

مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۵۸؛ حلی، ابن‌ادریس، سرائر، ج ۳، ص ۶۴۰ و هاشمی خویی، منهاج‌البراهه فی شرح نهج‌البلاغه، ج ۹،